



۲۰۱۸/۰۲/۱۷



حمید انوری

"مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز"

ستیف کول (Steve Coll) نویسنده و ژورنالیست مشهور امریکائی در تازه ترین کتاب خود بنام:

"Directorate S: The C.I.A. and America's Secret Wars in Afghanistan and Pakistan"

در یک قسمت آن از یک حساب بانکی شخصی "احمد شاه مسعود" پرده برمی دارد که در آن زمان به مبلغ شصت میلیون دالر در آن ذخیره شده بود. او علاوه میکند که در کنار آن شصت میلیون دالر ذخیره بانکی، مسعود کمک های مادی هنگفت از سپاه پاسداران ایران نیز به دست می آورد و از بابت فروش سنگ های قیمتی (لاجورد و زمرد) نیز عایدات سرشاری به دست می آورده است و...

شاید بعد ها هموطنان ما این کتاب را به دقت مطالعه کنند و در مورد بیشتر بنویسند تا معلومات بیشتری به دست آید، اما آنچه قابل درنگ است، این تواند بود که از سنگ صدا برآمد و از برادران و پادوان و کاسه لیسان مسعود صدائی بر نخواست و سکوت را ترجیح دادند تا بوی گندش بیشتر بالا نشود؛ اما و مگر کاسه داغ تر از آش، فرد شناخته شده بنام "رزاق مامون"، چنان داغ شد که حتی به اصطلاح مشهور، قُل و بُل کاسه برآمد و آش داخل کاسه را مذاب ساخت. این کاسه لیس مسعود و شورای نظارش که قبل برآن گاهی حامی "داکتر نجیب" بود و گاهی هم از عاشقان قد و قامت "عطا محمد نور"، چنان در منجلاب کیش شخصیت فرو رفته است که جهت نجات از این منجلاب به هر خس و خاری دست می اندازد تا مگر بدین گونه به ساحل مراد رسد.

او بعد از نشر خبر دارائی شخصی احمد شاه مسعود، که شاید یکی از حسابات شخصی بانکی او بوده باشد که "ستیف کول" از آن پرده برداشته است، چنان آشفته شده است که تحت عنوان "اثبات تازه ای بر عظمت معنوی مسعود بزرگ در جنگ تاریخی"، چنان جنگ پراگنی کرده است که خودش هم باید به آن نوشته تهوع آور خود خندیده باشد و شاید هم از شرم آب شده باشد، اما چه باید کرد، نان به نرخ روز خوردن ذلت می آفریند. او می نویسد:

"فقط شصت میلیون دالر پشتوانه مالی یک جنگ فراگیر با تروریزم!

امریکا هفت صد میلیارد دالر خرج کرده اما تب فرار گرفته است. "

سر آن ندارم تا در این مختصر اندر مورد گویا "جنگ با تروریزم" چیزی بنویسم، با در نظر داشت اینکه من نه جنگ مسعود و باندش را جنگ با تروریزم میدانم و نه هم جنگ امریکا و متحدین را، با قبول اینکه طالب و داعش و القاعده و الفایده و همه تروریست اند و باند شورای نظار هم از هیچ سازمان تروریستی دیگر هیچگاه عقب نمانده است.

و اما و مگر این "شصت میلیون دالر" را مسعود در یکی از بانک های خارج در یکی از حسابات متعدد بانکی شخصی اش ذخیره کرده بود که در "جنگ با تروریسم" یک دالر آن هم هرگز به مصرف نرسیده است، و مگر امریکا این "هفت صد میلیارد دالر" را بر علاوه "جنگ با تروریسم"، جهت ایجاد یک سیستم، یک حکومت، دولت، یک اردو، یک پولیس، یک استخبارات و برپائی قرارگاه های متعدد ملکی و نظامی برای نیروهای نظامی و غیر نظامی در سرتاسر افغانستان به مصرف رسانیده است، و نه جنگ در کوهپایه های پنجشیر. نظر به یک گزارش رادیو آزادی مصارف یک سرباز امریکائی در افغانستان ۳,۹ میلیون دالر است.

"... در گزارش سرویس خدمات تحقیقاتی کانگرس امریکا گفته شده است که مصارف سالانهء حفظ یک عسکر در افغانستان، ۳,۹ ملیون دالر است...".

حال آیا جناب مامون می تواند بصورت تقریبی بگوید که مصارف یک جنگجوی شورای نظار در کوهپایه های پنجشیر سالانه چند میلیون افغانی بوده است؟! البته با در نظر داشت اینکه بر علاوه کمک های مادی هنگفت سپاه پاسداران ایران، مبالغ هنگفتی هم از منابع مختلف هند و روسیه و تاجکستان نیز بلاوقفه در کیسهء احمد شاه مسعود ریخته می شده است.

"مامون" می نویسد:

"... شماری از طالبی اندیشان ریش تراشیده، مبلغ شصت میلیون دالر پس انداز در حساب فرمانده عمومی مبارزه با تروریسم (احمد شاه مسعود) را که در کتاب ستیوکول ذکر شده، به عنوان سوژه کوچک بینی و باور انحرافی خویش بالا کشیده اند. .."

جناب "مامون" چشم اگر بینا بود، هر روز، روز محشر است و این "طالبی اندیشان ریش تراشیده" نیستند که "کوچک بینی"، پیشه کرده اند، این افرادی چون جناب عالی هستند که بزرگ سازی، بت تراشی، قهرمان پرستی و اغراق کردن تهوع آور پیشه کرده و از کاه، کوه می سازید و سبب می شوید تا زیره و پودینهء مسعود و مسعود ها به میدان انداخته شوند. در حقیقت این شماها هستید که وظیفهء چوبیک زدن به کثافت را به عهده گرفته و باعث بالا شدن بوی گند می شوید.

نمی خواهم بالای هر پاراگراف از نوشتهء متذکره جناب مامون بیچم، اما چند نکته را چار ناچار باید برجسته سازم تا سیه روی شود هرکه در او غش باشد.

نخست اینکه جناب مامون جهت به کرسی نشانندن سخنان بی سر و ته ای خویش، " عبدالرسول سیاف" را شاهد می آورد که باری برایش گفته بوده است: "... مسعود ترس از فقر و نبود مخارج جنگ داشت. سیاف گفت هر آن چه را که از دوره جهاد در ذخیره خود داشتیم در جنگ شمالی به مصرف رسید."

البته این در حالی بوده است که احمدشاه مسعود بر علاوه آنکه بلاوقفه کمک های سرشار پولی از سپاه پاسداران ایران و منابع مختلف از هند و روسیه و تاجکستان به دست می آورد، به شدت مصروف سنگ فروشی نیز بود و در قاجاق لاجورد و زمرد دست بالائی داشت و نیز فقط در یکی از حسابات بانکی خود در خارج از کشور در همان زمان شصت میلیون دالر نقد ذخیره کرده بود.

از جانب دیگر "شاهد" آوردن فرد شناخته شده بنام "رسول سیاف"، درست به مانند آن است که روباه، دم خود را شاهد می آورد.

بر علاوه سیاف نادانسته اعتراف کرده است که پول های هنگفتی را از زمان "جهاد" به جیب زده بوده است که گویا "در جنگ شمالی" به مصرف رسانیده است، یعنی اینکه از جنگ "افغان - روس" ذخیره کرده و در جنگ "افغان - افغان" به مصرف رسانیده است که نفو بر او باد!

و حرف آخر هم اینکه میگویند "خرپوزه، خرپوزه را دیده رنگ میگیرد"، و حال تازه ترین خبر را در مورد دختر "برهان الدین ربانی"، یعنی دختر "استاد برهان الدین ربانی، رهبر انقلاب اسلامی، استاد بی بدیل احمد شاه مسعود، رهبر جهاد و مقاومت، شهید راه صلح و..."، باهم می خوانیم؛ فردیکه در افغانستان بنام "خوجئین" مشهور است و از پول "جهاد" و "مجاهد" و مهاجر صاحب بلیون ها پوند و یورو و تومان و کلدار و دالر و دینار در بانک های خارج شده است و فرزندان اش از همان پول های دزدی پدر، در داخل و خارج از افغانستان زندگی های افسانوی دارند:

[د برهان الدین ربانی لور په دوبي کې مليون ډالري رستورانټ پرانيږي]



طرف چپ "فاطمه ربانی"

د افغانستان دجهاد او مقاومت د وتلي څيري برهان الدین رباني لور فاطمه رباني به ډير ژر د عربي متحده اماراتو په دوبي کې مليون ډالري رستورانټ پرانيږي. دغه رستورانټ ته د کشمش نوم ورکړ شوی دی. کشمش په دري ژبه کې د ممیز ويوکی ته کارول کيږي. دغه رستورانټ د برهان الدین رباني د لور فاطمي رباني او د هغې د دوو ملگرو ايمان نظيمي او حميرا ضيا له لوري پر مخ بيول کيږي. د هوټلونو د نړيوال آژانس په راپور کې راغلي چې دغه رستورانټ به د دوبي په دار الوصال مال کې ډول ډول افغاني خواړه ورکوي. په دغه رستورانټ نږدې دولس نيم مليونه امريکايي ډالره لگښت راغلي چې د شهيد برهان الدین رباني د لور له لوري ورکړل شوي دي. فاطمه رباني د بهرنيو چارو تر وزير صلاح الدين رباني وروسته دوهمه خور ده. په همدې حال کې ويل کيږي چې په دغه رستورانټ کې به د افغاني خواړو تر څنگ فرانسوي او ايټالوي واين او قيمتي الکولي مشروبات هم خرڅلاوی ته وړاندي شي. تر دې دمخه د کافي کبانو په نامه يو رستورانټ د افغاني سندرغاړي غزل سادات له لوري د دوبي په جميره تري کې پرانيستل شوی وو. [خبريال - ۲۰۱۸/۲/۱۵] دواژده و نيم ميليون دالر فقط يک گوشه کوچک از "جهاد" فروشی و سوداگری "جهاد" است که دختر ربانی

در دویی رستوران می سازد. "استاد" که چنان باشد، "قوماندان" چنین باید. و اما من هیچمدان دانسته نشدم که عنوان انتخابی شما "اثبات تازه ای بر عظمت معنوی مسعود بزرگ در جنگ تاریخی"، کدام "عظمت معنوی"، "مسعود بزرگ" را به اثبات می رساند. آیا این عظمت است که جنگجویان احمد شاه مسعود در دره پنجشیر نان خوردن نداشتند و مسعود تنها و تنها در یک حساب بانکی شخصی خود در خارج از کشور، شصت میلیون دالر ذخیره داشته است که تا آن زمان همچنان دست ناخورده باقی بوده است؟! این مختصر به پایان رسیده بود که از یک گوشه دنج دیگر یک صدای ناهنجار دیگر بلند شد: **"مسعود نه به انگلیس رفت و نه ۶۰ میلیون دالر داشت"**، این سخنان برادر احمد شاه مسعود، "احمد ولی مسعود" است که هرچند به درنگی هم نمی ارزد، اما اگر فرصت یاری کرد، در مورد جدا خواهم نوشت؛ تا مبدا خاموشی علامت رضا تلقی گردد.

مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز
ورنه در مجلس رندان خبری نیست که نیست

